

چاره‌ای بیندیشیم، وگرنه تبعات تورم و خیم خواهد شد

نوشته دکتر باقر قدیری اصلی

استاد ممتاز دانشگاه و رئیس سابق دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران در سالی که گذشت، اقتصاد ایران در دو نوبت آماج اثرات صاعقه‌آسای تورم قرار گرفت و فشارهای شدیدی را تحمل کرد: یک بار از اواسط مهرماه که به دنبال صعود غیرعادی قیمت دلار و دیگری پولهای خارجی قیمت‌ها سیر صعودی پیمود و بار دیگر در دو ماه پایانی سال که قیمت طلا و بهار آزادی به میزانی غیرعادی و غیرقابل تصور بالا رفت و همه را متحیر کرد.



دکتر باقر قدیری اصلی

اقتصادی نمی‌شد و اینها همه در حالی اتفاق می‌افتاد که در قانون بودجه کل کشور فقط یک بار به مناسبتی از تورم صحبت شد بی‌آنکه تدابیری برای مهار آن اتخاذ گردد.

بی‌اعتنایی نسبت به تورم و نادیده گرفتن آثار مشنوم آن، قیمت‌ها را با چنان سرعتی افزایش داد که کار به تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام کشید و کوشش‌هایی آغاز شد تا معضل تورم را با تعزیرات حکومتی حل کنند. در راستای همین کوشش‌ها قانون تعزیرات حکومتی که در سال ۱۳۴۷ تصویب شده بود اصلاح و تشدید گردید و توسط دولت به اجرا گذاشته شد، بدون آنکه تأثیری در توقف صعود قیمت‌ها داشته باشد.

(پرو واضح است طبق قوانین جبری اقتصاد اگر کنترل قیمت‌ها سخت و سخت باشد ریشه تولید را خشک می‌کند و اگر با نرمش عمل شود اثر ندارد.)

افزایش حجم نقدینگی یا...

در نوبت دوم، و در حالی که دو سه ماهی از خیزش تورم قبلی نگلخته بود با جهش سرسام آور قیمت طلا، و به تبع آن سایر کالاها مواجه شدیم. این بار، چون خرید و فروش آزاد دلار ممنوع شده بود حمله سفته‌بازان، صرافان و حتی مردم عادی که می‌خواستند قدرت خرید پول خود را حفظ کنند متوجه طلا شد و در ظرف مدتی کوتاه قیمت آن ۶۰ تا ۸۰ درصد افزایش یافت.

بعضی محافل علت این صعودهای غیر مترقبه را افزایش عظیم حجم نقدینگی می‌دانند در حالی که رشد حجم نقدینگی طبق اظهارات مقامات رسمی در سال ۱۳۷۳ در حدود ۱۶ درصد بوده، اما قیمت‌ها ۴۰ تا ۵۰ درصد افزایش یافته است. البته افزایش حجم نقدینگی در افزایش قیمت‌ها مؤثر بوده است ولی نمی‌تواند تنها علت موجه تورم شدید باشد. بعضی دیگر می‌گویند که علت صعود قیمت ارزها به خاطر تورم است؛ یعنی چون قیمت‌ها در ایران افزایش می‌یابند قدرت خرید ریال کم می‌شود و به همان موازات ارزش دلار افزایش پیدا می‌کند. این نظریه هم به تنهایی گویای واقعیت نیست زیرا در ایران اگر شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی ۵ برابر و بعضی قیمت‌ها ۱۰ برابر و یا حتی ۲۰ برابر افزایش یافته باشد، ارزش ریال نسبت به پولهای معتبر بیگانه

بیش از ۱۰۰ برابر تنزل پیدا کرده است و لذا تورم داخلی نمی‌تواند علت موجه صعود دلار باشد مثلاً اگر دلار از ۷۰ ریال به نزدیک ۵۰۰۰ ریال افزایش یافته باشد ظاهراً ۷۰ برابر ترقی بها کرده ولی در باطن خود دلار نسبت به پولهای معتبر مثل مارک آلمان و ین ژاپن در این مدت سه برابر تنزل ارزش پیدا کرده است.

مضافاً اینکه آن پولهای معتبر نیز نسبت به کالا و خدمات هر سال مختصری قدرت خرید خود را از دست داده و همان اقتصادهای قوی نیز دچار تورم خفیف بوده‌اند و لذا تورم داخلی بر خلاف آنچه که بعضی می‌گویند نمی‌تواند تنها علت ترقی قیمت دلار و دیگر پولهای خارجی باشد. تورم ایران - یا به عبارت دیگر تنزل ارزش ریال - جنبه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و قضایی دارد.

قیمت دلار در کشور ما خیلی بیشتر از تورم داخلی افزایش یافته است و از این لحاظ رابطه مبادله ما را با دیگران به شدت به ضرر ایران تغییر داده است و تا ارزش برابری دلار نسبت به ریال تنزل نکند همه قیمت‌های ما را به طرف خود خواهد کشید.

تا آن علت‌ها بر طرف نشوند اقتصاد ما همیشه آسیب‌پذیر و در معرض خطر است. البته از حق نباید گذشت که در این سالها تولید آب، برق، تلفن، گاز، گندم، آهن و آلومینیوم و به طور کلی تولید ناخالص داخلی افزایش یافته است ولی چه سود اگر تولید ناخالص ملی ۷ درصد و قیمت‌ها ۵۰ درصد افزایش یافته باشد؟ شاخص هزینه زندگی به منزله ترمومتر یا حرارت‌سنج اقتصاد کشور است و تورم، تب‌آلود بودن کالبد اقتصادی جامعه را نشان می‌دهد. اگر دست درازتر، پا قوی‌تر، سینه ستبر و شکم برآمده باشد ولی ترمومتر، حرارت بدن شخص ۳۹ درجه نشان دهد آن شخص بیمار است و باید علاج شود و اگر علاج نشود آسیب خواهد دید. همین قاعده در مورد اقتصاد ما نیز صادق است و لذا اگر اقتصاد بیمار ما درمان نشود تورم شدید خواهد شد، خاصه در سال ۱۳۷۴ که هزینه‌های دولت ۳۳ درصد افزایش خواهد یافت، بدهی بانکها به بانک مرکزی افزایش می‌یابد، قیمت فرآورده‌های نفتی افزوده خواهد شد؛ نقدینگی نیز افزایش می‌یابد و چه بسا که ممکن است اگر چاره‌ای اندیشیده نشود، فرار سرمایه و بی‌اعتمادی نسبت به ارزش پول بیشتر شود، و جامعه به هرج و مرج فروتر ناشی از تورم دچار گردد.